

10 عملی که مردان می توانند برای پایان بخشیدن به خشونت مردان علیه زنان انجام دهند



شبکه خشونت خانگی اوهایو

ترجمه: ویدا بالیخانی

خانه امن:

1. اعتراف و فهمیدن اینکه چگونه تبعیض جنسی، غلبه و مزیت مردانه منجر به عملکرد آنان برای انواع اشکال خشونت علیه زنان می شود.
2. بررسی و چالش تبعیض جنسی فردی ما و نقشی که ما در پشتیبانی از مردان خشونت گر ایفا می کنیم
3. شناسایی و توقف تبانی با دیگر مردان به وسیله خارج شدن از نقش های اجتماعی تعریف شده
4. بخاطر بیاورید که سکوت ما تصدیق کردن عمل آنان است. وقتی که ما علیه مردان خشونتگر حرف نزنن را انتخاب می کنیم، بدین معناست که ما از آنان پشتیبانی می کنیم.
5. آموزش دادن و آموزش مجدد پسران مان و مردان جوان دیگر، درباره مسئولیت ما برای پایان دادن خشونت مردان علیه زنان
6. برای ایستادگی در برابر پایان بخشیدن به خشونت علیه "مردانه که ما را عملاً چالش تصویر های سنتی - چارچوب مردانه را بشکنیم زنان متوقف می کند
7. بپذیریم که ما مسئول پایان نیافتن خشونت علیه زنان هستیم. ما باید نقش فعالانه در ساختن فرهنگ و اجتماعی که بیش از این تا زمانی که مردان قسمتی از راه حل پایان یافتن آن هستند. خشونت علیه زنان را تحمل نمی کند بر عهده بگیریم
8. عدم مهارت های مدیریت عصبانیت، وابستگی پشتیبانی از این تصور را که خشونت مردان علیه زنان یک بیماری روحی است، را متوقف کنیم. خشونت علیه زنان ریشه در ستم تاریخی به زنان و حاصل اجتماعی شدن مردان... های شیمیایی، اضطراب و غیره دارد.
9. مسئولیت ساختن راه های مناسب و موثر برای سیستم های توسعه آموزش و پاسخگویی مردان را به عهده بگیریم.
10. در اجتماع خود سیستم های پاسخگویی به زنان را فراهم کنید. خشونت علیه زنان فقط زمانی که ما مسیر آنهایی که زنان را بهتر درک می کنند در پیش بگیریم پایان خواهد پذیرفت.

منبع: <http://goo.gl/95sYPt>

شهرت مردان اسپانیایی در کتک زدن و کشتن همسرانشان



عکس: Luis Hernandez-Dzk6.es

نویسنده: Amanda Payne

خانه امن - 8 مارچ روز بین المللی زن، روز تجلیل از زنان و دست آوردهای آنان است. در این روز به این مسئله که متأسفانه چگونه در سرتاسر جهان زنان همواره مورد آزار و اذیت، و بدرفتاری قرار می گیرند و کشته می شوند نیز پرداخته می شود. مواردی که در فرهنگ های به اصطلاح "پیشرفته و روشن فکر" نیز اتفاق می افتند.

جدای از زیبایی های طبیعی کشور اسپانیا، مردان اسپانیایی به کتک زدن و کشتن همسران و شرکای زندگی شان شهرت دارند. این مسئله تا حدی مربوط به دورانی است که ژنرال فرانکو General Franco در قدرت بود. در این دوران مسئله حکمرانی مرد در خانه چیزی بیشتر از یک رفتار ناشایست محسوب نمی شد، حال آنکه تا کنون نیز این روند ادامه دارد. افزایش تعداد زنانی که شاغل شده اند و خارج از منزل کار می کنند و استقلال مالی پیدا کرده اند باعث شده است که، دیگرآنان زیر بار رفتارهای ناشایست همسران و یا شرکای زندگی خود نروند. زنان اسپانیا در گذشته گفته بوده اند که قضاوت اسپانیا مردانی پیر و پیرو سنت های قدیمی هستند و این مسائل را جدی نمی گیرند. اما با این وجود بر اساس تحقیق سال 2001 "مرکز تحقیقات اجتماعی"، 96% مردم اسپانیا معتقدند که خشونت خانگی در هر شرایطی غیر قابل قبول است.

خشونت خانگی، الگویی برای کنترل و رفتارهای خشونت آمیز یک طرف رابطه علیه طرف دیگر است. خشونت خانگی تنها خشونت فیزیکی نیست، بلکه می تواند به صورت جنسی، روانی، و احساسی نیز باشد. با اینکه معمولاً خشونت از طرف مرد به زن است، اما در تعداد اندکی از موارد از سوی زن به مرد نیز می تواند باشد.

خوشبختانه دولت اسپانیا گام های مثبتی جهت کاهش میزان خشونت خانگی و از میان بردن آن برداشته است. دولت اسپانیا تا اکنون واحدهای پلیس و خصوصاً زنان پلیس را آموزش داده است و خطوط تلفن خاصی برای تماس قربانیان و مردمی که متوجه وقوع خشونت خانگی می شوند در اختیار آنها قرار داده اند. همچنین تعدادی پناهگاه برای زنان خشونت دیده نیز در نظر گرفته شده است.

طبق آخرین آمار موجود از "مؤسسه آمار ملی اسپانیا"، 61 زن در سال 2011 توسط شرکای زندگی شان کشته شده اند. این آمار نشان نمی دهد که چه تعداد از آنها صدمات و جراحات شدید دیده اند. با بدتر شدن وضعیت اقتصادی اسپانیا و دیگر کشورهای اروپایی، به نظر می رسد که آمار رو به افزایش است.

گمان می رود که آفریقای جنوبی بالاترین آمار خشونت علیه زنان را دارد، اما لازم به ذکر است که خشونت خانگی در هر فرهنگ و سطحی اتفاق می افتد. فرقی نمی کند که در محله سفید پوستان طبقه متوسط زندگی می کنید و یا در روستایی در هند و یا آفریقا، به هر حال آیا اگر صدای جیغ و فریاد شنیدید، آن را نشنیده می گیرید و بی اهمیت از کنار آن می گذرید؟

مترجم: مهتاب صمیمی

منبع: <http://goo.gl/ZLhn1i>

به بهانه پیشگیری از تجاوز جنسی: «اخلاق» قربانی شدن ازدواج کودک با سرپرست



عکس: [andishehayandeh](http://andishehayandeh.com)

محمد جعفر ساعد - دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، مدرس دانشگاه و جرم شناس

کلام اول

امروز قانونی از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت که به موجب آن سرپرستان فرزند خواندگان می توانند با آنها ازدواج کنند! تصویب این قانون به این بهانه بوده که بعضا به واسطه عدم محرمیت میان فرزند خوانده و سرپرست، تجاوز جنسی هایی روی می داده است که تنها راه برون رفت از وقوع این پدیده نامبارک، وضع این قانون اندیشه شده است (!) در این راستا، جلوگیری از سوءاستفاده از کودکان را نیز هدفی دیگر برای وضع این قانون دانسته اند.

در واقع، ماده ۷۲ لایحه حمایت از کودک و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست سال ۸۸ پس از پرداختن به مسئله ازدواج سرپرست، (بعد از صدور حکم سرپرستی توسط دادگاه) به مقوله ممنوعیت ازدواج بین سرپرست و فرزندخوانده پرداخته است. لازم به یادآوری است که قانونگذار در ماده مذکور، در راستای رفع نواقص و کاستی های قانون قبلی و نیز حمایت موثر از طفل فرزندخوانده گام موثری برداشته است تا به آنجا که در ادامه ماده ۷۲، در تبصره عنوان می کند که: «ازدواج چه در زمان حضانت و چه بعد از آن فی مابین سرپرست و طفل ممنوع است». تبصره فوق از این لحاظ که قانونگذار تلاش کرده در جهت حفظ منافع طفل و ایجاد محیطی گرم و خانوادگی در راستای رشد و بالندگی کودک مرقی عمل کند، شایان توجه است در نسخه اصلاح شده مورخ ۴ مرداد ۱۹۳۱ مجلس شورای اسلامی تغییری نسبت به این ماده ایجاد نشده و ایرادی هم از سوی شورای نگهبان در خصوص تبصره ماده عنوان نشده است. اما بخش سوال انگیز و در واقع از ابداعات ماده مذکور، تبصره انتهایی ماده در نسخه مورخ ۵/۲۱/۱۹ است. بنابراین در اصلاحی که در تعاقب نظر شورای نگهبان در خصوص ایراد وارده به تبصره ماده ۷۲ به وجود آمده، مجلس شورای اسلامی تبصره ماده ۷۲ را به این نحو اصلاح کرده است: «ازدواج چه در زمان حضانت و چه بعد از آن بین سرپرست و فرزندخوانده ممنوع است، مگر اینکه دادگاه صالح پس از اخذ نظر مشورتی سازمان این امر را به مصلحت فرزندخوانده تشخیص دهد.»

یادداشت حاضر نظری اجمالی به وضع این تبصره داشته و آن را در بوته نقد جرم شناختی و اخلاق قرار می دهد تا نشان دهد که وضع چنین تبصره ای نه تنها مفید نبوده و مانع سوءاستفاده از کودکان نمی شود بلکه برعکس عاملی برای سوءاستفاده از آنان خواهد بود.

جان کلام

در زمانه ای که اخلاق مسلم جامعه به کناری رانده شده و قربانی رفتارهای غریزی و حیوانی عده ای سرپرست فرزندخوانده می شود، دیگر انتظارات از اخلاق به حداقل می رسد و با دوام این مسئله باید معتقد بود که دیری نخواهد انجامید که اخلاق راستین از بطن و متن جامعه رخت بر بسته و جای خود را به اخلاق بدلی و ساختگی می دهد؛ اخلاقی که از وضع چنین قوانین شرمسارکننده ای حمایت می کند.

فرزند بی پناه و درمانده ای که از نعمت پدر و مادر و خویشاوندان دلسوز بی بهره بوده و در نتیجه به مراکز بهزیستی سپرده می شود، بدست سرپرستانی شهوت منش واگذارده می شوند که فردا و پس فرداها از آنها به منزله ابزاری جنسی بهره گیرند. گرچه از منظر دینی، نمی تواند منعی شرعی برای ازدواج این فرزندان یا سرپرستان شان یافت اما این مساله دلالت بر پذیرش آن از ناحیه اخلاق مسلم اجتماعی ندارد. اخلاق یعنی همان نیروی اندرونی جامعه که ما شهروندان را به رعایت برخی رفتارهای نیک امر کرده و از برخی رفتارهای ناپسند

باز می‌دارد، پاره‌ای از رفتارها را حتی در قالب قانونی و با رنگ و لعاب تقنینی نمی‌تواند پذیرا باشد و وضع چنین قانونی در زمره این مقوله‌هاست که باید از گردونه اجرایی خارج گردد.

پیشگیری از وقوع جرم در هر جامعه‌ای یکی از ابزارهای کنشی در مقابله با پدیده جنایی است. این مسئله امری ضروری است و از رهگذر ابزارهای موقعیتی یا وضعی و اجتماعی به نحو احسن می‌تواند در راستای رسالت راستین خود ایفای نقش نماید اما این مسئله تا بدانجا واجد اهمیت نیست که با بر روی ارزش‌های مسلم اخلاقی در جامعه گذاشت و به بهانه شهوت رانی پاره‌ای از شهروندان اسیر در دام شهوت و غریزه حیوانی، دست از این ارزش‌های اخلاقی شست. در جامعه‌ای که پایه‌های وزین دین مبین اسلام در تار و پود فرایند اجتماعی ریشه دارد و در جامعه‌ای که تمدن چندین هزاره اش شهره عالم است، هنجارها و ارزش‌های اخلاقی از جمله نوع دوستی از یک سو و کنترل هوی و هوس حیوانی از سوی دیگر را مکرر گوشزد کرده و تذکر می‌دهد، حمایت از عده‌ای انسان شهوت ران و پا گذاشتن بر این ارزش‌ها جای تامل فراوان دارد.

حقیقت این است که شنیدن وضع چنین قوانینی، هر شهروند ایرانی معقول را به شرم می‌آورد. چنین سرپرستانی که کودکان بی سرپرست را تحت سرپرستی خود قرار می‌دهند، در وهله نخست، آدمیانی آدم تلقی می‌شوند که حس نوع دوستی و انسان دوستانه شان چنان در وجودشان ریشه داشته که کودکی بی سرپرست را در آغوش خانوادگی و حریم خصوصی شان وارد کرده و چنان دختر یا پسر راستین خود با او رفتار کرده، تربیت نموده و به منزله فرزندی مفید و خدمت‌گذار به جامعه تحویل می‌دهد. چنین سرپرستانی چگونه می‌توانند نگاه جنسی به این نوباوگان ایرانی داشته و سرانجام آنها را اسیر هوی و هوس خود کنند؟! اساساً وضع چنین قانونی با عذر غیرمنطقی پیشگیری از وقوع تجاوزهای جنسی، با غایت و ماهیت فرزندخواندگی و شرایط سرپرستان مغایر بوده و در حقیقت نقض غرض است. چندان که راهکار موافقت دادگاه و صدور جواز این ازدواج نیز از این حقیقت هیچ نمی‌کاهد و وجه ناپسند این رفتار را پسنندیده نخواهد کرد.

به علاوه، چنین قانونی، برخی از این کودکان بی سرپرست را در حد ابزاری جنسی برای برخی متقاضیان سرپرستی که مال و مکنت فراوان دارند و اندیشه جنسی در پس ذهن شان لانه داشته، می‌کند. یعنی چنین قانونی در حقیقت ابزاری برای سوءاستفاده شده و درهای سوءاستفاده برای اشخاص شهوت ران باز می‌کند. امری که بسان روانه کردن این کودکان از گودال به چاه است.

این چنین قانونی در نهایت نه تنها ابزاری برای پیشگیری از وقوع برخی تجاوزهای احتمالی از ناحیه پاره‌ای از سرپرستان شهوت ران علیه فرزندان بی سرپرست تحت سرپرستی آنان نخواهد بود بلکه جدای از قربانی کردن برخی از ارزش‌های مسلم اخلاقی در جامعه مان، رهگذرهای وقوع جرایم خشونت‌آمیز را فراهم می‌سازد و افزون بر این، عامل بزه دیدگی‌های مکرر این فرزندان از همان اوایل دوران فرزندخواندگی شده و در نتیجه جامعه را مواجهه با شهروندانی مبتلا به بیماری ذهنی-روانی در اثر چنین برخوردهای نامبارک از ناحیه سرپرستان در آینده‌ای نه چندان دور می‌سازد.

کودکی که از داشتن والدین بی بهره است و خویشاوندی نیز ندارد که حامی او باشد به سرپرست سپرده می‌شود تا حمایت شود؛ سرپرستی که تنها مامن آن کودک است. وقتی این سرپرست نظر جنسی به آن کودک داشته باشد، این کودک درمانده که هیچ جایگزینی برای ادامه زندگی و تامین معاش ندارد ناگزیر و برخلاف باورها و میل واقعی اش تن به خواسته‌ای می‌دهد که هیچ از آن دل خوشی ندارد و آرام آرام این مساله از نظر ذهنی-روانی چنان در ذهن و قلب او ریشه می‌دواند که پیامدهای احتمالی آن در بیشتر اوقات اگر عارضه وخیم روانی نباشد، وقوع جرم علیه آن سرپرست به ظاهر همسر قانونی خواهد بود. وانگهی، چنین کودک بی پناهی که به سرپرست همسر در دوران کودکی سپرده شده است چون پناهگاه دیگری ندارد، در اثر این واقعه، چه بسا مکرر متحمل رفتارهای مجرمانه از ناحیه سرپرست شده و مکرر مبتلا به بزه دیدگی شود. چون مامنی دیگر ندارد به ناچار این رفتارهای نامبارک را می‌پذیرد و با گذر زمان و پرشدن ظرفیت ذهنی و روانی این شخص با گذر زمان، واکنش اتفاقی در قالب جرایم فجیع قتل عمدی و همسرکشی و مواردی از این دست تبلور می‌یابد.

کلام آخر

پس می‌بینیم که وضع چنین قوانینی در عمل و با گذر زمان، نه تنها مشکلی از مشکلات جامعه نمی‌کاهد بلکه خود باری بر مشکلات موجود می‌شود و پیامدهای آن در دراز مدت بسیار برای جامعه و شهروندان مان مخرب خواهد بود. امید وارم که این قانون سرانجام به تصویب شورای نگهبان نرسد و عامل شرمساری ما شهروندان ایرانی چه در عرصه داخلی و چه بین‌المللی نشود.

منبع: <http://didad.ir/fa/news-details/577/>

تبعیض فرهنگی و قانونی، مشکل اصلی افزایش تعهد زوجین



shafaqna عکس:

مشکل اصلی در زمینه افزایش تعهد زوجین نسبت به هم، وجود تبعیض قانونی و عرفی بین زن و مرد است، بنابراین برای حل این مشکل لازم است متولیان و قانونگذاران در تغییر نگرش فرهنگی، عرفی، قانونی و دینی جامعه ایران نسبت به زنان و مردان تلاش کنند؛ چرا که در غیر اینصورت نباید منتظر رخ دادن اتفاق مثبتی در این زمینه باشیم.

دکتر سعید معیدفر جامعه‌شناس، افزود: عرف ایرانی برای مردان جایگاه بالاتری قائل است و او را با عنوان جنس اول و زن را به عنوان جنس دوم می‌بیند. بر این اساس مرد تصمیم‌گیر اصلی است و باید مدیریت خانواده را در اختیار داشته باشد و اگر مشکلی در زندگی زناشویی آنها به وجود آید، به راحتی خانواده را ترک می‌کند یا هنگام طلاق حضانت فرزند را برعهده می‌گیرد.

مردان به راحتی از بی‌تعهدی به زندگی مشترک تبرئه می‌شوند

وی در ادامه گفت: در قوانین ایران مواردی موجود دارد که به طور مداوم به مردان حق ویژه و برتری نسبت به زنان می‌دهد. متأسفانه در کشورمان به علت حاکمیت فرهنگ مردسالاری به راحتی مردان از تخلفات مربوط به بی‌تعهدی به زندگی مشترک تبرئه می‌شوند، اما در مقابل زنان با کوچک‌ترین خطایی محکوم می‌شوند.

مردانه بودن قوانین ایران ظلم به آنان است

این جامعه‌شناس تأکید کرد: برخی تبعیض‌های فرهنگی قانونی باعث می‌شود که مردان خود را دارای حق بدانند؛ اما زنان حتی اگر در تنگنا قرار بگیرند، کمتر مرتکب خطای خیانت به همسر می‌شوند.

معیدفر مردانه بودن قوانین ایران را ظلم به مردان دانست و اظهار کرد: در این شرایط مردان امکان بیشتری برای خطا در زندگی زناشویی دارند و بیشتر ممکن است مرتکب آن شوند.

وی افزود: متأسفانه زیر پا گذاشتن تعهد بین زوجین بیشتر از سوی مردان اتفاق می‌افتد و باعث بی‌اعتمادی و نزاع‌های خانوادگی می‌شوند؛ بنابراین باید قانونگذاران و متولیان کشور برای رفع تبعیض بین زنان و مردان راهکارهایی را بیندیشند.

این جامعه‌شناس در پاسخ به این پرسش که آیا طلاق عاطفی می‌تواند زمینه‌ساز برقراری روابط خارج از چارچوب زوجیت شود؟ گفت: در فرهنگ ما دختر با لباس سفید به خانه بخت می‌رود و با کفن سفید از این خانه بیرون می‌آید. چنین تفکری به معنای محکوم بودن زنان به تحمل همه شرایط در زندگی مشترک است، این در حالیست که دو نفر ممکن است در طول زندگی مشترک با هم از جهات مختلف دچار تفاوت‌های بنیادین شوند که این تفاوت می‌تواند در مسائل جنسی، سبک زندگی، سلیقه‌ای و ... باشد و اختلاف نظرهای اساسی بین آنان در تصمیم‌گیری‌های مهم مانند تربیت فرزندان به وجود آید.

معیدفر افزود: هنگام بروز طلاق عاطفی برخی مردان تلاش می‌کنند مشکلات عاطفی خود را در خارج محیط خانواده حل کنند، اما این کار برای زنان سخت‌تر است. در این شرایط لازم است افراد به مشاور مراجعه کنند؛ چرا که مشاور می‌تواند تا حد امکان در کاهش

اختلافات بین زوجین موثر باشد و اگر اختلافات اساسی همچنان پابرجا بود و زوجین با همکاری مشاور به این نتیجه رسیدند که ادامه زندگی آنها امکان ندارد، می‌توانند طلاق بگیرند؛ چرا که ادامه چنین زندگی‌های مشترکی خطرناک‌تر از طلاق است.

وی با بیان اینکه متأسفانه برخی از مردم با وجود مشکلات روانشناختی، حاضر به مراجعه به روانشناس نیستند، اظهار کرد: ممکن است برخی از مشکلات بین زوجین ناشی از مراجعه نکردن به روانشناس نشأت بگیرد، بنابراین لازم است مراجعه به مشاور ترویج شود. البته برخی از افراد به خاطر گرانی حق مشاوره نمی‌توانند از خدمات این متخصصین بهره ببرند که در این شرایط لازم است تسهیلاتی به منظور دسترسی خانواده‌ها به این خدمات فراهم شود.

این جامعه‌شناس با اشاره به رابطه سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی با ناهنجاری‌هایی مانند کاهش تعهد زوجین به هم، گفت: با افزایش سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی، میزان این رفتارها کاهش می‌یابد. هر چقدر فرد از شخصیت خانوادگی اصیل‌تر و جایگاه اجتماعی بالاتری برخوردار باشد، کمتر درگیر این مشکلات می‌شود.

معیدفردر پایان تصریح کرد: یکی از دلایل افزایش ناهنجاری‌ها، ایجاد شدن شرایط فرهنگی نامساعد است. در این شرایط افراد خود به خود احساس بی‌هویتی و بی‌شخصیتی می‌کنند و به این ترتیب شخصیت درونی آنان که مانع از ارتکاب آسیب‌های اجتماعی می‌شود، تضعیف شده و حتی در جهت عکس عمل می‌کند، بنابراین به اعتقاد جامعه‌شناسان، تقویت سرمایه‌های اجتماعی مانند افزایش سطح تحصیلات و برخورداری از جایگاه‌های مفید در جامعه می‌تواند افراد را از کز رفتاری‌ها از جمله کز رفتاری‌های جنسی مصون نگه دارد.

منبع: <http://goo.gl/KWSIfw>

ازدواج چه در زمان حضانت و چه بعد از آن بین سرپرست و فرزندخوانده ممنوع است



عکس: ایسنا

مریم مجتهدزاده معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده با اشاره به تبصره ماده 27 لایحه حمایت از حقوق کودکان ونوجوانان، گفت: اگر قانونگذاران محترم به مصلحت کودک می‌اندیشند باید در خصوص اعطای مجوز ازدواج فرزندخوانده با سرپرست از سوی دادگاه تجدید نظرکنند تا هرگونه نگاه غیر عاطفی از بنیان مقدس خانواده دور شود.

مریم مجتهدزاده در این باره افزود: بر اساس تبصره ماده 27 ازدواج چه در زمان حضانت و چه بعد از آن بین سرپرست و فرزندخوانده ممنوع است؛ مگر اینکه دادگاه صالح پس از اخذ نظر مشورتی سازمان، این امر را به مصلحت فرزندخوانده تشخیص دهد، در حالیکه این تبصره با روح قوانین مربوط به فرزند خواندگی که بخشیدن عطوفت پدری و مادری به طفل یا کودکی بی سرپرست است به شدت در تعارض قرارداد؛ زیرا چگونه ممکن است در یک قانون فردی بتواند در مقطعی نقش والد و در مقطعی دیگر نقش همسری را نسبت به یک کودک ایفا کند.

وی در ادامه گفت: لایحه حمایت از حقوق کودکان ونوجوانان از مجلس هشتم مطرح و بارها به شورای نگهبان ارجاع داده شده و با

وارد شدن ایراداتی به مجلس بازگردانده شده است. در این رفت و آمدها لایحه دستخوش تغییراتی شد که افزودن تبصره ماده 27 یکی از آن موارد است. در حال حاضر این لایحه به تصویب رسیده و برای تایید نهایی به شورای نگهبان ارسال شده است.

معاون رییس جمهور در امور زنان و خانواده افزود: در شرع اسلام فرزندخواندگی چیزی شبیه رابطه ابوت و بنوت نیست. یعنی بین فرزندخوانده و پدرخوانده و مادرخوانده رابطه حقوقی خاصی که این فرزندان با پدران و مادران واقعی آنها وجود دارد، برقرار نمی‌شود، بنابراین حرمت‌های ناشی از خویشاوندی نیز در این میان وجود ندارد ناچار از یکسو پدرخوانده و مادرخوانده با فرزندی که برگزیده‌اند محرم نمی‌شوند و از دیگر سو نتیجه این عدم محرمیت این است که ازدواج آنها با هم در صورتی که مانع دیگری وجود نداشته باشد خالی از اشکال است.

وی در ادامه گفت: هر چند از نگاه حقوقی و شرعی این امر بلااشکال است؛ اما با توجه به فلسفه فرزندخواندگی وقتی ماهیت قانونی رابطه سرپرستی عاری از شایبه ارتباط جنسی است و هدف آن قداست بخشیدن به رابطه مادر و پدر و فرزند است، این تبصره از نظر اخلاقی صحیح نیست و برای فرزندخوانده‌ای که سال‌ها سرپرست خود را پدر و مادر واقعی تلقی می‌کند موجب بروز مشکلات روحی و روانی می‌شود و ممکن است موجب سوء استفاده نیز شود.

مجتهدزاده در پایان اظهار کرد: با توجه به به اوضاع و احوال اجتماعی و اخلاقی حاکم بر موضوع فرزندخوانده در سطح جهانی این تصریح قطعاً باعث اشکال خواهد شد و به نهاد فرزندخواندگی لطمه خواهد زد. خانواده‌ها نیز با وحشت از آینده کودکی که به فرزندخواندگی می‌گیرند، رغبت کمتری برای پذیرش سرپرستی چنین کودکانی خواهند داشت، لذا صرف نظر از مبانی شرعی در وضع یک قاعده باید به عرف و بستر و اوضاع و احوال جامعه نیز توجه شود.

منبع: <http://goo.gl/750yhE>

آمار پسران در سن ازدواج از سال ۳۹ به بعد بیش از دختران می‌شود



عکس: همصدا

مدیرکل جمعیت و آمار سازمان ثبت احوال کشور گفت: به علت ساختار هرم سنی جمعیت از سال ۳۹ به بعد آمار پسران در سن ازدواج بیش از دختران می‌شود.

علی اکبر محزون افزود: بر اساس آخرین وضعیت جمعیت، به ازای هر ۶۲ خانوار یک رویداد ازدواج در کشور رخ می‌دهد.

وی با بیان اینکه شاخص نرخ ازدواج در سال‌های اخیر تغییرات جزئی داشته است، اظهار داشت: از مهمترین شاخص‌های سن زوجین این است که در حال حاضر حدود ۲۱ درصد ازدواج‌ها در رده‌های هم‌سن، ۱۱ درصد زنان دو تا ۰۲ سال بزرگتر از مردان و ۵۶.۳ درصد زنان یکسال بزرگتر از مردان هستند. وی توضیحی در باره بقیه شاخص‌ها ارائه نکرد.

محزون با اشاره به اینکه بیشترین ازدواج‌ها در گروه سنی ۰۲ تا ۴۲ سال رخ می‌دهد، ادامه داد: هنوز آمار دقیقی از میزان ازدواج در شش

ماه اول امسال بدست نیامده است .

وی درباره ثبت ازدواج در سال گذشته گفت :در سال گذشته ۱۳۸ هزار و ۰۷۶ ازدواج در کشور به ثبت رسیده که ۲۸۶ هزار و ۶۲۴ مورد در شهرستانها و ۹۴۱ هزار و ۴۴۲ ازدواج در روستاها بوده است.

محزون تصریح کرد استانهای زنجان با ۵.۷۱ درهزار ، اردبیل ۵.۴۱ درهزار و کردستان با ۱.۶۱ درهزار بیشترین نرخ ثبت ازدواج را داشته‌اند.

منبع: <http://goo.gl/RwEOYP>

دفا تر حمايت از حقوق كودكان و نوجوانان در دادگستري تشكيل مي شوند



عكس: باشگاه خبرنگاران

دبير مرجع ملي کنفوانسيون حقوق كودك با اشاره به ارايه لايحه حمايت از كودكان و نوجوانان به مجلس شوراي اسلامي، گفت: با تصويب اين لايحه دفا تر حمايت از حقوق كودكان و نوجوانان در دادگستري شكل مي گيرد.

مظفر الوندي ، افزود: اين دفا تر مسايل قضايي كودكان را پيگيري و بررسي خواهند كرد.

مشاور وزير دادگستري با بيان اينكه لايحه ديگري در زمينه حمايت از كودكان و نوجوانان بي سرپرست و بدسرپرست به مجلس ارايه شده است، اظهار داشت: اين لايحه از سوي بهزيستي ارايه شده و اين سازمان تكاليفي را براي خود در نظر گرفته كه در صورت تصويب لايحه يادشده، از كودكان و نوجوانان بي سرپرست و بدسرپرست حمايت خواهد شد.

الوندي تصریح کرد: همچنين در جهت حمايت از حقوق كودك، اجراء ماده ۵۴ قانون حمايت از خانواده، رعايت غبطه و مصلحت كودكان و نوجوانان در تمام تصميمات دادگاهها و مقامات اجراءي الزامي است.

به گفته وي، در زمينه رشد عقلي كودكان در اجراء قضاوت نيز اختيار ويژه اي به قضاوت در قانون مجازات اسلامي داده شده كه تشخيص رشد عقلي به عهده قاضي و از طريق متخصصان احراز مي شود.

منبع: <http://goo.gl/55SWWQ>

بازار داغ خرید دختر بچه های سوری توسط پیرمردان سعودی



عکس: شبکه خبر

خبرنگار آلمانی در خانه» ام ماجد»، دلال ازدواج و فروشنده دختران سوری، با دختران نوجوانی رو به رو می شود که برای کمک به زندگی خانواده تنگدست خود، در مقابل دریافت پول، به ازدواج با ثروتمندان سعودی تن می دهند.

نحوه برخورد ثروتمندان سعودی با آوارگان سوری و به ویژه زنان و دخترانی که برای در امان ماندن از جنگ به اردن پناه برده اند، بسیار تاسف بار است.

این خبرنگار آلمانی گزارش داد: ما اینجا در خانه» ام ماجد «هستیم که به عنوان دلال ازدواج و فروشنده دختران سوری فعالیت می کند. در اینجا، سه دختر سوری را می بینیم که منتظرند با همسران سعودی شان آشنا شوند. ام ماجد به آنها می آموزد که چگونه باید رفتار کنند.

وی به این دختران می گوید: یک مرد سعودی 70 ساله دارم که می خواهد با یک دختر کوچک حداکثر 13 ساله ازدواج کند؛ کدام یک از شما می خواهید با او آشنا شوید؟

یکی از دختران می گوید: من

لیلا 14 ساله است، دختر کوچک خجالتی که با مادر و 5 خواهرش از سوریه به اردن فرار کرده است و مادرش امروز او را وادار می کند ازدواج کند.

وی می گوید: من از او نمی ترسم اما نگرانم، چون نخستین بار است که من به خاطر مادر و خواهرانم، زندگی ام را قربانی می کنم.

شیوخ سعودی، به این دختران آواره، به عنوان کالا می نگرند و با 2000 یورو با دختر کوچک ازدواج می کنند ... سپس آنها را طلاق می دهند.

دلال ازدواج، در اینجا پناهگاه دختران را می یابد؛ بسیاری از خانواده ها همه چیز را از دست داده اند، اما دخترانشان همچنان نزد آنها هستند.

غزل، یکی از این دختران است که برخلاف تمایل خود، وادار به ازدواج شده است یا بهتر می توان گفت به یک سعودی که شراب می نوشید، فروخته شده است او این دختر را به مدت دو ماه کتک زده و به او تجاوز کرده؛ سپس غزل 16 ساله را به فساد کشانده است.

وی به خبرنگار آلمانی گفت: من از خودم متنفرم؛ من خسته ام و در زندگی ام، هیچ مردی را نمی خواهم. دوست ندارم بلایی که سر من آمده است سر هیچ دختری بیاید.

این خبرنگار آلمانی تأکید کرد: اما به نظر می رسد راه حلی برای این مصیبت در آینده نزدیک وجود ندارد؛ تقاضا برای آنها زیاد است؛ این

وضع خانواده های سوری است.

منبع: <http://goo.gl/2Km9lR>

"الهه خشونت" سالانه 250000 نوع جرم علیه زنان



عکس: [Save Our Sisters](#)

مترجم: ویدا بالیخانی

در مذاهب هند و اسطوره های قومی آن زنان محترم شمرده می شوند. در زندگی واقعی؟ بر اساس گزارش "خواهران ما را حفاظت کنید" سازمانی که در جهت جلوگیری از قاچاق انسانی دختران جوان و بالا بردن سطح تحصیلات و پیشرفت آنها فعالیت می کند؛ 68% زنان هندی قربانی خشونت خانگی هستند.

این اختلاف حیرت آور میان تصورات و تمامی دست آوردهای کمپین خواهران ما حفاظت کنید بوده است "الهه خشونت."

تصورات قسمتی از یک تصویر و قسمت دیگر نقاشی است چهره زیبای شخصیت های مذهبی با برابندی از وحشت.

استفاده از سمبل های سنتی اغواکننده برای نشان دادن عکس العملی از لطافت طبع، از نفرت، از درد.

مهمترین مسئله دست یافتن به این پاسخ است که چه چیز موجب شده زن قسمتی از دنیایی باشد که در آن بر اساس گزارش های سالانه قریب به 250 هزار نوع جرم علیه زنان صورت می گیرد؟

"دعا کنید ما هرگز آن روز را نبینیم": تبلیغ عجز و لابه. مطمئنا "من دعا می کنم.

مترجم: ویدا بالیخانی

منبع: <http://goo.gl/Om4RVf>

11 درصد کودکان جهان کارگری می کنند



عکس: Zoriah

خانه امن - در قرن نوزدهم علی رغم اختراع ماشین های صنعتی قول پیکر، همچنان صاحبان صنایع بافندگی، کودکان را به کار می گماردند و کار کودکان را چنین توجیه می کردند: فقط کودکان می توانند با جثه های کوچک شان به زیر ماشین آلات بخزند و نخ و رشته های گسیخته را گره بزنند.

بر اساس گزارش سازمان بین المللی کار، به رغم پیشرفت های صورت گرفته در زمینه کاهش و حذف کار کودکان تا سال 2016، آمار جهانی کودکان کار از سال 2000 به میزان یک سوم (از 246 میلیون کارگر کودک به 168 میلیون) کاهش یافته است. مجمع بین المللی سازمان بین المللی کار "معتقد است که این کاهش برای دستیابی به هدف حذف کامل کار کودکان تا سال 2016 کافی نیست.

دبیر کل "سازمان بین المللی کار" می گوید: "مسیر ما درست، اما پیشرفتمان بسیار آهسته است". اگر ما به از میان برداشتن این معضل در آینده امیدواریم، باید میزان تلاشمان را در کلیه سطوح بالا ببریم. برای این تلاش مضاعف، وجود 168 میلیون کودک کار در جهان دلیل قانع کننده ای است.

پیمان نامه بین المللی حقوق کودک

پیمان جهانی حقوق کودک، یک پیمان نامه بین المللی است که برای دفاع و حمایت از حقوق کودکان تهیه شده است، این پیمان که پس از 10 سال گفت و گو میان کشورهای عضو سازمان ملل در سال 1989 میلادی تدوین شد و در سال 1990 به اجرا درآمد؛ به طور عمده چهار محور بقا، رشد، حمایت و مشارکت را در ارتباط با کودکان مورد توجه قرار می دهد.

این کنوانسیون در 20 نوامبر 1989 مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و از 2 سپتامبر 1990 لازم الاجرا شده است. تاکنون 193 کشور این سند را امضا کرده اند و در 140 کشور اجرا می شود. و به این ترتیب مقبول ترین سند حقوق بشر در تاریخ می باشد.

این کنوانسیون شامل 54 ماده و دو پروتکل اختیاری بوده که بر اساس چهار اصل زیر است:

- هیچ کودکی نباید از تبعیض رنج ببرد.
- زمانی که در رابطه با کودکان تصمیم گیری می شود، باید منافع عالیه آنان در راس قرار گیرد.
- کودکان حق حیات داشته و باید رشد کنند.
- کودکان حق دارند آزادانه عقاید و نظرات خود را ابراز کنند و این نظرات در تمامی اموری که به آنها مربوط می شود، باید مورد توجه قرار گیرد.

دولت ایران نیز در سال 80 به مقاله نامه 182 حقوق بنیادین کار پیوسته و کنوانسیون حقوق کودک را امضاء کرده است.

قانون ایران در مورد کار کودکان

در ماده 79 قانون کار ایران، اشتغال به کار کودکان زیر 15 سال را ممنوع دانسته است. البته کارگران شاغل در کارگاه های خانوادگی که کارفرمای آنها، همسر یا بستگان و خویشاوندان نسبی درجه یک باشند، مشمول قانون کار نیستند در نتیجه حداقل سن کار در مورد چنین کارگرانی رعایت نمی شود؛ بر اساس قانون کار اگر یک کارفرما کودک زیر 15 سال را به کار بگیرد، متخلف محسوب می شود و

برای بار نخست مجازات نقدی، بار دوم مجازات نقدی و حبس و بار سوم علاوه بر این موارد، کارخانه یا کارگاه پلمپ و پروانه کار فرد متخلف ابطال خواهد شد.

از سوی دیگر ماده 84 قانون کار پیش‌بینی کرده است که در مشاغل و کارهایی که ماهیت آن برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوانان زیان‌آور است، حداقل سن کار 18 سال تمام خواهد بود که تشخیص این امر با وزارت کار و امور اجتماعی است.

کودک به چه کسی اطلاق می‌شود؟

بر اساس ماده یک پیمان‌نامه حقوق کودک، کودک به هر انسان کمتر از ۱۸ سال گفته می‌شود. مگر آن که قانون قابل اعمال در مورد کودک سن قانونی کمتری را تعیین کرده باشد.

مفهوم کار کودکان

“کار کودکان” مسئله‌ای است که کودکان را از کودکی کردن محروم می‌کند. به توانایی‌ها و شان آنان آسیب رسانده و به رشد فیزیکی و روحی - روانی آنها صدمه می‌زند.

البته تعریف کودکان کار در کشورهای مختلف یکسان نیست به گونه‌ای که در برخی کشورهای آسیایی کار افراد در گروه سنی 8 تا 13 ساله در زمره کار کودکان قرار می‌گیرد، اما عمده تعریفی که شامل بیشتر کشورهای جهان از جمله ایران می‌شود اشتغال کودکان زیر 15 سال است.

بیش از 168 میلیون کودک در سراسر جهان، مجبور به انجام کارهای مخاطره‌انگیز می‌شوند که مستقیماً بر سلامت، ایمنی و پیشرفت اخلاقی آنها تأثیر می‌گذارد. تعداد کودکانی که چنین کارهایی را انجام می‌دهند نسبت به سال 2000 که 171 میلیون نفر بوده به 85 میلیون نفر کاهش پیدا کرده است.

کودکان کار ایران

بر اساس سرشماری سال ۵۷۳۱ بیش از ۴ درصد جمعیت شاغل کشور را گروه سنی ۰۱ تا ۴۱ سال تشکیل می‌داد، بر اساس این همین آمار جمعیت شاغل کشور ۴۱/۵ میلیون نفر بوده است که ۴ درصد آن در حدود ۰۰۶ هزار نفر می‌شود. در سال ۵۷۳۱ حدود ۰۸۳ هزار کودک در سن ۰۱ تا ۴۱ سال در ایران کار ثابت داشته است.

در حال حاضر آمار مشخص و دقیقی از تعداد کودکان کار در ایران وجود ندارد هرچند که برخی منابع و سازمان‌ها از وجود دو میلیون کودک کار در ایران خبر می‌دهند، ولی آمارهای غیررسمی تعداد کودکان کار ایرانی را 7 میلیون نفر تخمین می‌زنند که گفته می‌شود 40 درصد این کودکان را، کودکان مهاجر تشکیل می‌دهد.

و بر اساس آمارهای رسمی، در حدود یک میلیون و 700 هزار کودک در ایران مشغول کار هستند. یعنی بیش از 12 درصد کودکان کشور و به عبارتی دیگر، حدود 9 درصد از کل شاغلان کشور را نیروی کار کودکان تشکیل می‌دهند.

دکتر قاسم‌زاده عضو هیات مدیره انجمن پویا، استاد دانشگاه و فعال کودکان کار سال گذشته، در گفت‌وگو با شهر گفت: پژوهشی طولی به مدت 5 سال در زمینه وضعیت کودکان کار تهران انجام شد که یافته‌ها نشان دادند اکثر این بچه‌ها دارای خانواده هستند. تنها حدود 15 درصد این بچه‌ها اصلاً “خانواده ندارند و یا از شهرستان به پایتخت می‌آیند و از خانواده خود دور هستند. در واقع بخش اعظم این بچه‌ها با وجود داشتن خانواده مجبور به کار می‌شوند. چون بخشی از گذران زندگی خانواده از طریق آن‌ها تامین می‌گردد.

این استاد دانشگاه افزود: به نظر من آمار تخمینی 3 میلیون است. چون بچه زیر 18 سال که مدرسه نمی‌رود کجا می‌رود؟ اگر فرض کنیم که 265 هزار کودک به دلیل بیماری و مسائل دیگر از تحصیل بازمانده‌اند. اکنون 3 میلیون دیگر در خیابان، کارگاه، مزرعه و خانه مشغول کار هستند. شناسایی کودکان کار به سادگی مقدور نیست. حتی کودکانی هستند که کارفرماها در داخل منازل آنها را بکار می‌گمارند و شناسایی آنان دشوار است؛ اما ما هم کوششی در این زمینه نکرده‌ایم. این موضوع در اختیار سازمان‌های دولتی است.

دیگر یافته‌های اصلی گزارش جدید سازمان بین‌المللی کار عبارتند از:

- منطقه آسیا و اقیانوسیه با آماري بالغ بر 78 میلیون کودک، بالاترین آمار کارگران کودک را دارا هستند. اما در منطقه صحرای آفریقا نسبت به جمعیتش این مسئله بیشتر (بیش از 21 درصد) است.
- چنین رویدادهایی در کشورهای کم درآمد بیشتر رخ می‌دهد، اما کشورها با درآمد متوسط بالاترین تعداد کارگران کودک را دارند.
- درصدی پسران بیشتر است. تعداد دخترانی که 25 کاهش داشته که در مقایسه با کاهش 40% میزان کارگران دختر از سال 2000،

کارهای پرخطر نیز انجام می دهند نیز یک دوم کاهش پیدا کرده است. لازم به ذکر است که در این آمار دخترانی که در خانه ها به عنوان خدمتکار، کار می کنند محاسبه نشده است.

- کل کارگران کودک را 59 % میلیون است که 98 بخش کشاورزی از جمله بخش هایی است که در آن آمار کارگران کودک بالغ بر 54 میلیون) و صنعت (12 میلیون) که رقم زیادی محسوب می شود.

در قسمت دیگری از گزارش سازمان بین المللی کار آمده است: کاهش چشمگیر تعداد کودکان کارگر در جهان تنها به تلاش یک فرد و یا یک سازمان صورت نگرفته است، بلکه سازمان ها، نهادها و دولت های بسیاری در آن نقش داشته اند؛ که از سال 2000 تا کنون سعی کرده اند تا اثرات سوء کارگری کودکان را بر رشد اقتصادی، آینده جوامع و حقوق کودکان گوشزد کنند. کانستنس توماس Constance Thomas مدیر برنامه بین المللی از میان برداشتن روند کارگری کودکان "سازمان بین المللی کار می گوید: "با این حال تلاش های سازمان بین المللی کار در رهبری و پیشبرد این مبارزه با استفاده از استانداردها، سیستم نظارتی، ظرفیت سازی و مداخلات مستقیم اش شایان توجه است."

توماس می گوید: "با وجود کاهش چشمگیر تعداد کارگران کودک، اما همچنان 11% از کودکان جهان به جای رفتن به مدرسه کارگری می کنند و نیمی از این تعداد نیز کارهای پر خطر انجام می دهند."

چشم انداز سال 2016 این سازمان، حذف کارگری کودکان در محیط ها و مشاغلی است که آنها را در معرض خطر قرار می دهند که از آن جمله می توان بسیاری از کارهای بخش کشاورزی، ساختمان سازی، و کار در معادن را نام برد.

گزارش سازمان بین المللی کار همچنین نشان داده است که 9.2 میلیون کودک زیر سن قانونی کار، در خاور میانه و شمال آفریقا و حدود 12 میلیون در آمریکای جنوبی و سواحل کارائیب کارگری می کنند.

جورج اوکوتو George Okutho، مدیر دفتر سازمان کار بین المللی در اتیوپی می گوید: "ما باید رسیدگی به مسئله "کودکان کار" را با حمایت های اجتماعی هماهنگ و یکپارچه کنیم، برای خانواده ها ایجاد موقعیت و ظرفیت درآمد زا ایجاد کنیم. همچنین باید سیاست های اقتصادی، حقوقی - قضائی، آموزش و پرورش را گسترده تر و سیاست های بازار کار را تغییر دهیم."

سیمرین سینگ Simrim Singh یکی از متخصصان "کودکان کار" منطقه آسیا و اقیانوسیه "سازمان بین المللی کار" می گوید: "در آسیا و دیگر نقاط دنیا بسیاری از موارد کارگری کودکان پوشیده مانده است. انواع خاصی از کارگری کودکان از جمله کار آنها در منازل همواره از انظار عموم پنهان هستند."

آقای اوکوتو گفته است علی رغم بحران اقتصاد جهانی، مهمترین دست آورد ها در کاهش این مسئله بین سال های 2008 و 2012 صورت گرفته اند. او کاهش میزان فقر به عنوان یکی از فاکتورهای مهم کاهش چشم گیر "کودکان کار" می داند.

یکی از راه های مبارزه با کاهش "کودکان کار" رسیدگی به معضل فقر است. کارگری کودکان مستقیماً با فقر در ارتباط است، زیرا که کودکان باید خانواده هایشان را به هر صورت ممکن حمایت کنند. بسیاری از دختران و پسران وادار به کار با دستگاه های خطرناک در کارخانه ها و شب کاری می شوند و یا برای کسب درآمد مورد سوء استفاده های جنسی قرار می گیرند.

در بیشتر کشورهای جهان، کار کودک شامل کار در مزارع، کارخانه ها، معادن و بخشهای خدماتی است و مشاغل کاذبی چون دستفروشی را هم در بر می گیرد؛ کودکان کار اکثراً به صورت آزاد یا خیابانی، نیمه وقت و تمام وقت، فصلی و کارمزد مشغول کار هستند.

مترجم متون انگلیسی : مهتاب صمیمی

منابع:

<http://goo.gl/YF8l4s>

<http://goo.gl/c8Dluu>

<http://goo.gl/hbpv2m>

<http://goo.gl/U4DG17>

<http://goo.gl/L7xfH0>

<http://goo.gl/PC5Irl>

<http://goo.gl/12t9Qp>
